



معرفی

ترجمه قرآن کریم

مرکز فرهنگ و معارف قرآن
محمدرضا انصاری محلاتی

یکی از گام‌های خطیری که مرکز فرهنگ و معارف قرآن در طول تلاش‌های خود در زمینه کارهای قرآنی برداشته، اقدام به تدوین ترجمه‌ای استوار از قرآن کریم است. این ترجمه که در حال حاضر مراحل تصحیح و چاپ خود را می‌گذراند، یکی از ترجمه‌هایی است که در داوری می‌توان گفت به موفقیت‌های چشمگیری در برگردان واژه‌ها و انعکاس معانی آیات دست یافته و از حیث استواری و روانی نثر، سهم بسزایی را به خود اختصاص داده است. البته این نکته را باید یادآور شد که قرآن چون کلام الهی است و از مبدأ ربوبی فرود آمده و مفاهیمی بس بلند و والا در قالب عباراتی اعجاز‌آمیز دارد، فکر بشر توان دستیابی به همه ابعاد آن را ندارد و به همین سبب است که مفسران و مترجمان چیره دست نیز در برابر آن اظهار عجز و ناتوانی می‌کنند و بر این باورند که عمق مفاهیم آیات الهی برای همگان دست‌یافتنی نیست و تنها کسانی که مورد خطاب قرآنند - یعنی پیامبر و امامان معصوم - می‌توانند بر ژرفای این حقیقت جاوید آسمانی آگاهی یابند. ما در این نوشتار برآنیم تا ترجمه‌ای را که براساس معیارهای خاص در مرکز فرهنگ و معارف قرآن پدید آورده‌ایم به شما خوانندگان گرامی معرفی کنیم. سخن ما در این زمینه براساس سه محور قرار می‌گیرد؛ نخست اینکه چه عامل و انگیزه‌ای ما را بر آن داشت که به تدوین این ترجمه اقدام کنیم؟ و دیگر اینکه اصول و مبانی حاکم بر این ترجمه چیست؟ و سرانجام اینکه این ترجمه در میان دیگر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از چه جایگاهی برخوردار است؟

انگیزه تدوین این ترجمه

یکی از کارهای اساسی مرکز از آغاز تأسیس، ساماندهی و تکمیل یادداشت‌های قرآنی

اندیشمندان قرآن پژوه ، آیت الله هاشمی رفسنجانی ، تحت عنوان تفسیر راهنما بود . مرکز پس از آنکه در سال ۱۳۶۶ مجموعه فیش های گردآوری شده در زمینه موضوعات قرآنی را برای ساماندهی و تکمیل در اختیار گرفت ، با تلاش پی گیر گروهی از قرآن پژوهان کار خود را آغاز کرد . محصول این تلاش ها ، دوره ۲۰ جلدی کتاب ارزشمند تفسیر راهنما بود که مجلدات آن به تدریج یکی پس از دیگری به چاپ رسید و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت .

این تفسیر ، نخست ترجمه آیات را به همراه نداشت . پس از تحقیق و نشر هفت جلد از آن ، براساس پیشنهاد های مکرر بسیاری از خوانندگان مبنی بر ضمیمه کردن ترجمه آیات به آن ، مرکز تصمیم گرفت مجلدات بعدی آن را همراه با ترجمه آیات منتشر کند . پس از فحص و بررسی به این نتیجه رسید که ترجمه ای که صددرصد صحیح و مورد اطمینان باشد در دست نیست و ترجمه های موجود - به رغم تلاش گسترده برخی مترجمان آنها - خالی از نقص و ایراد نیستند . حقیقت امر این است که گرچه تجربه های جدید در کار ترجمه قرآن موجب پیشرفت های خوبی در این میدان گردیده و بعضی از ترجمه های انجام شده در سال های اخیر از دقت نسبی برخوردارند و اشتباهات کم تری در آنها راه یافته است ، ولی باز هم اگر تأمل کنیم می بینیم هیچ مترجمی حرف آخر را نزده و ترجمه اش صد در صد پیراسته از کاستی ، نارسایی و اشتباه نیست . بر این اساس ، مرکز بر آن شد که با همکاری تنی چند از متخصصان به نگارش ترجمه ای که هم از نظر صحت و استواری و هم از جهت نثر و نگارش سهم بسزایی داشته باشد اقدام کند . این کار در سال ۱۳۷۷ آغاز گردید و به توفیق و عنایات خداوند ، پس از سه سال تلاش پی گیر اصل کار پایان پذیرفت . طبیعی بود که این کار نیاز به تجدید نظر و بازبینی های مکرر داشت ؛ از این رو پس از پایان یافتن ترجمه ، بر حسب ضرورت به بازنگری و بازنگاری مجدد آن پرداخته شده و اصلاحات و پیشنهاد های مختلفی که از سوی اعضای گروه تفسیر داده می شد مورد توجه قرار می گرفت . سرانجام کار به مرحله نهایی خود رسید و ترجمه صورت کمال پذیرفت . در اینجا مناسب است به روند شکل گیری کار ، از آغاز تا رسیدن به مرحله نهایی اشاره شود :

۱ . هسته اصلی ترجمه ، براساس تفاسیر معروف شیعه و اهل سنت از قبیل : تبیان ، مجمع البیان ، المیزان ، تفسیر طبری ، کشاف ، التحریر و التنویر و دیگر تفاسیر ، توسط آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی (رحمة الله علیه) شکل گرفته است .

۲ . تصحیح و ویرایش و بازسازی ترجمه در دو نوبت ، یک بار همراه با ترجمه تدریجی قرآن در جلسات مشورتی با مترجمان ، و بار دیگر پس از پایان یافتن ترجمه ، توسط اینجانب انجام شده است .

۳ . بررسی و بازبینی ترجمه توسط چند تن از اعضای گروه تفسیر راهنما ، همراه با ارائه پیشنهادها

اصلاحی انجام شده که بخش عمده پیشنهاد‌های در اصلاح نهایی مورد توجه قرار گرفته است .
۴. از آنجا که تدوین این ترجمه در اصل با هدف درج آن در ذیل آیات تفسیر راهنما بوده ،
طبعاً در برداشت‌های تفسیری ، نظر گروه تفسیر مورد توجه قرار گرفته تا میان ترجمه آیات و تفسیر
آنها هماهنگی وجود داشته باشد .

۵. پس از طی مراحل فوق ، به منظور حصول اطمینان بیشتر ، برای آخرین بار ترجمه توسط
حجة الاسلام والمسلمین آقای ابوطالب طالبی (عضو گروه تفسیر راهنما) از آغاز تا انجام مجدداً
به دقت بررسی گردید و نکات و پیشنهاد‌هایی از سوی ایشان مطرح شد که بخش عمده آنها با
مشورت و رایزنی با مصحح و ویراستار محترم در ترجمه اعمال گردید .

اصول و مبانی ترجمه

ترجمه هر متنی می‌تواند به یکی از دو شکل صورت پذیرد ، یا به صورت آزاد که مترجم خود
را در بند الفاظ ، تعبیرات و ساختار متن محدود نسازد و با در نظر گرفتن مفهوم و مراد جمله ، آن
را در قالب زبان مقصد بریزد ، و یا به صورت مقید ، که مترجم خود را به الفاظ و تعبیرات و
ساختار متن مقید سازد و از ویژگی‌های متنی تخطی نکند و قالب‌های ساختاری متن را به ترجمه
منتقل کند . البته ترجمه مقید ، گاه به صورت تحت‌اللفظی انجام می‌پذیرد و گاه با حفظ نثر زبان
مقصد و رعایت دستور زبان آن . در ترجمه قرآن نیز تقسیم‌های فوق قابل تصور است . گرچه
عظمت قرآن کریم و اهمیت ترجمه آن سبب شده است که تاکنون کم‌تر کسی به ترجمه آزاد قرآن
روی بیاورد ، و به همین جهت در طول چهارده قرن گذشته ترجمه‌هایی که از قرآن - چه به صورت
خطی و چه به صورت چاپی - باقی مانده همه به صورت تحت‌اللفظی انجام شده و حتی یک واو
و فاء از آن در ترجمه اسقاط نشده است ، لیکن در نیم قرن اخیر ، ترجمه قرآن از حالت تحت‌اللفظی
بیرون آمده و غالباً - به ویژه در یکی دو دهه اخیر - با نثری معیار نگارش یافته است . ترجمه مورد
سخن ما نیز بر مبنای ترجمه مطابق و رعایت نثر معیار صورت گرفته است ؛ یعنی در حقیقت
چیزی از متن در ترجمه کاسته نشده و معانی آیات با حفظ ساختار متن در عین رعایت مقتضیات
زبان فارسی منعکس گردیده است . در این ترجمه اصول و مبانی فراوانی مورد توجه بوده که ذیلاً
به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود .

۱. در ترجمه واژه‌ها ، معنای اصلی واژه مورد توجه قرار گرفته و از ذکر لازم معنی یا مراد
تفسیری به جای آن پرهیز شده است .

۲. تأکید ، همان‌گونه که در عربی از جایگاهی خاص برخوردار است ، در زبان فارسی نیز

برای خود جایگاهی دارد از این رو ادات تأکید به نوعی در ترجمه منعکس شده‌اند، مگر آنکه ادات تأکید صرفاً برای ربط دادن مفردات کلام به یکدیگر باشند، مانند مواردی که «ان» پس از ماده «قول» و مشتقات آن قرار گرفته که ترجمه آن در زبان فارسی به صورت تأکید مقتضی ندارند.

۳. حذف مبتدا یا خبر یا جزای شرط و مانند اینها در زبان عربی متداول است و قرآن نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این ترجمه، برای وضوح مطلب، مواردی که اظهار محذوف مورد نیاز بوده، محذوف آورده شده است. این گونه محذوف‌ها در ترجمه میان دو قلاب قرار گرفته‌اند.

۴. واژه‌ها یا تعبیراتی که در ترجمه نیاز به توضیح دارند، توضیحات آن‌ها میان پرانتز آمده است.

۵. در سراسر ترجمه، توضیحات تفسیری فراوانی بر گرفته از تفاسیر، به اقتضای عبارات متن آیه آورده شده که تمامی آنها برای حفظ مرز ترجمه و توضیحات، میان دو قلاب قرار گرفته‌اند.

۶. افزوده‌های تفسیری و محذوف‌هایی که میان دو قلاب قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که ساختار عبارتی ترجمه را مختلف نمی‌کنند و نظم کلام - چه با خواندن محتوای قلاب‌ها و چه با حذف آنها - همچنان محفوظ است.

۷. یکسان‌سازی تعبیرات مشابه قرآنی در ترجمه، یکی از اصولی است که در این اثر مورد توجه قرار گرفته و تا حد امکان رعایت شده است.

جایگاه این ترجمه در میان دیگر ترجمه‌ها

چنان که در آغاز سخن گفتیم، ترجمه قرآن کریم - بر خلاف سایر متون - کاری بس دقیق و دشوار است و علاوه بر تخصص‌های لازم و احاطه به علوم مربوط، ژرف‌نگری همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد؛ به گونه‌ای که اگر دقت لازم صورت نگیرد مترجم ناخودآگاه دچار اشتباهاتی می‌شود که هرگز تصور آن را نمی‌کرد. این دشواری کار - چنان‌که اشاره کردیم - به سبب آن است که قرآن کلام بشر نیست و از ساختاری ویژه ترتیب یافته و احاطه بشر به تمامی ابعاد آن ناممکن است. در ترجمه مورد بحث، با اعتراف به دشواری این کار، تلاش بر این بوده است که تا حد امکان معانی واژه‌ها آن گونه که هست منعکس شود و ساختار عبارات نیز به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که ترجمه از معنای مراد آیه فاصله نگیرد. در این میان می‌توان به ذکر نمونه‌هایی پرداخت و آنها را با ترجمه‌های دیگر مقایسه کرد.

ناگفته نماند که معانی انتخاب شده در این ترجمه برای واژه‌ها یا تعبیرات مورد نظر چنان نیست که در هیچ ترجمه‌ای به این صورت نیامده باشد، ولی اگر ترجمه‌ها را از قدیم و جدید بررسی کنیم می‌بینیم درصد اندکی به این نکات توجه داشته‌اند و غالباً براساس انس ذهنی با

تعبیرات متداولی که در ترجمه‌ها بوده واژه قرآنی را ترجمه کرده‌اند. اکنون به نمونه‌ها توجه کنید:

۱. ساختار تفضیل عالی در قرآن کریم

در قرآن کریم، همانگونه که ساختار تفضیلی «أَحْسَن» به صورت مذکر به کار رفته، به صورت مؤنث آن «حُسْنی» نیز در آیات فراوانی به کار رفته است. چنان که در علم نحو مطرح شده، تفضیل گاه به صورت نسبی است و گاه به صورت عالی. در تفضیل نسبی، برتری به صورت نسبی و نه مطلق لحاظ می‌شود، مثلاً می‌گوییم: «زید احسن من عمرو» یعنی زید بهتر از عمرو است، و این بدان معنی است که در مقایسه میان زید و عمرو بهتر بودن را برای زید اثبات می‌کنیم، در حالی که در مقایسه زید با دیگران، ممکن است دیگری بر زید برتری داشته باشد. ولی در تفضیل عالی، فردی که برتری داده شده، بر تمام افراد به طور مطلق برتری یافته است؛ مثلاً اگر بگوییم «زید أحسن الناس» بدین معنی است که کسی در خوبی برتر از زید نیست. تعبیراتی که در قرآن کریم به صورت تفضیل عالی در ساختار «حُسْنی» و «وَتَقَى» و مانند آن آمده همه دلالت بر تفضیل عالی دارند، و اصولاً در این گونه موارد، تفضیل نسبی مناسب نیست. به چند نمونه توجه کنید:

الف: در آیه ۱۸۰ سوره اعراف آمده است: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...» روشن است که نام‌هایی که به خدا اختصاص دارد بهترین نام‌هاست، زیرا بهتر از نام‌های خدا نامی قابل تصور نیست؛ بنابراین باید به اقتضای مورد، تفضیل در واژه «حُسْنی» را به صورت عالی ترجمه کنیم نه نسبی؛ چنان که بسیاری از مترجمان آن را به صورت نسبی ترجمه کرده و گفته‌اند: «نام‌های نیکوتر از آن خداست». در ترجمه مرکز بدین صورت آمده است: «و نیکوترین نام‌ها مختص خداست، پس او را با آن نام‌ها بخوانید...»

ب: نیز در آیه ۱۸ سوره رعد می‌خوانیم: «لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ»، از آن جا که پاداش آخرت بهترین پاداش است و مقصود از واژه «حُسْنی» در اینجا پاداش آخرت است، باید این ساختار نیز به صورت تفضیل عالی ترجمه شود از این رو در ترجمه مرکز آمده است: «کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده‌اند نیکوترین پاداش را خواهند داشت».

ج: نمونه دیگر را در تعبیر «العروه الوثقی» می‌توان مورد دقت قرار داد. «وَتَقَى» مؤنث «أَوْثَق» است و دلالت بر تفضیل عالی دارد، زیرا این تعبیر که در دو جای قرآن (بقره/ ۲۵۶ و لقمان/ ۲۲) آمده مبتنی بر دو واقعیت است که هر دو با تفضیل عالی تناسب دارد. در سوره بقره آمده است: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ»، و در سوره لقمان آمده: «وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ». چنان که ملاحظه می‌کنید، در

سوره بقره عدم گرایش به طغیانگران و ایمان به خدا به عنوان محکم ترین دستگیره معرفی شده و در سوره لقمان نیز تسلیم بودن در برابر خدا و نیکوکار بودن به عنوان محکم ترین دستگیره بیان گردیده است، و ما می دانیم که بالاتر از ایمان به خدا و تسلیم بودن در برابر ذات او دستگیره ای قابل تصور نیست. به همین سبب، این دو آیه در ترجمه مرکز به ترتیب بدین صورت ترجمه شده اند: «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، قطعاً به محکم ترین دستگیره که گسستنی نیست، چنگ زده است». قابل ذکر است که در آیات فوق بسیاری از مترجمان، تفضیل را به صورت نسبی ترجمه کرده اند که درست نیست.

۲. ساختار ترکیبی «بهیمة الانعام» و ترجمه آن

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِمَهُ الْأَنْعَامَ...» نکته ای که در اینجا قابل دقت است و مورد بی توجهی بسیاری از مترجمان قرار گرفته، تعبیر ترکیبی «بهیمة الانعام» است. روشن است که اضافه «بهیمة» به «انعام» اضافه بیانی و از قبیل «خاتم فضة» است. در اضافه بیانی، همواره مضاف الیه بیانگر نوع مضاف است؛ یعنی مضاف دارای انواع متعدد است و با آمدن مضاف الیه آن نوع مشخص می شود. در حقیقت در این مثال، «خاتم» که مضاف است شامل تمام انواع آن از طلا و نقره و غیره می شود و با آمدن «فضة» نوع آن مشخص می گردد و لذا در ترجمه آن می گوئیم؛ «انگشتر نقره ای». در تعبیر آیه نیز همین گونه است. واژه «بهیمة» به معنای «زبان بسته» است و تمامی حیواناتی را که قدرت گویایی ندارند شامل می شود ولی با آمدن «انعام» که در لغت عرب به معنای «شتر و گاو و گوسفند» است نوع خاصی از زبان بستگان مشخص می شود. در حقیقت آیه در مقام این است که حلال بودن گوشت شتر و گاو و گوسفند را بیان کند. برگردان دقیق این تعبیر که هم با ظاهر آیه و هم با واقعیت تطابق دارد در ترجمه مرکز بدین صورت آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان ها وفا کنید. زبان بسته های دامی (شتر و گاو و گوسفند) برای شما حلال شده اند. . .»

این در حالی است که بسیاری از مترجمان، «بهیمة الانعام» را به «چهارپایان» ترجمه کرده اند و برخی هم که خواسته اند حفظ امانت بیشتری داشته باشند، آن را به «چهارپایان زبان بسته» برگردانده اند؛ در صورتی که هیچ یک از این دو تعبیر صحیح نیست و با آیه مطابقت ندارد، زیرا تعبیر «چهارپایان» اگر شامل درندگان نشود، حداقل شامل اسب و استر و الاغ خواهد شد و مقصود از «انعام» اسب و استر و الاغ نیست. چنان که تعبیر «چهارپایان زبان بسته» نیز درست نیست، زیرا در این صورت صفت «زبان بسته» قید توضیحی خواهد شد، چرا که همه چهارپایان زبان بسته اند.

۳. جایگاه «بلی» در قرآن کریم

واژه «بلی» در قرآن کریم در آیات فراوانی به کار رفته است. این واژه همواره مسبوق به نفی است بر خلاف «نعم» که در پاسخ از استفهام مثبت قرار می‌گیرد. نفی که «بلی» مسبوق به آن است، و یا با استفهام همراه است و یا بدون استفهام است. در صورتی که نفی، همراه با استفهام باشد، «بلی» برای تصدیق و تقریر خواهد بود، مانند آیه شریفه: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف، ۷/۱۷۲) که این گونه ترجمه می‌شود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا اما در صورتی که نفی، مجرد از استفهام باشد: «بلی» برای رد آن نفی است که در فارسی با تعبیراتی از قبیل: «چنین نیست، و مانند آن ترجمه می‌شود. به طور کلی باید گفت که ترجمه «بلی» به «آری» در این گونه موارد درست نیست و مفهوم آیه و ارتباط نفی و منفی را درست منعکس نمی‌کند. بالاتر اینکه اگر در پاسخ از استفهام تقریری مانند آیه «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» واژه «بلی» به «آری» ترجمه شود، منفی مورد تقریر قرار می‌گیرد و مقصود آیه کاملاً عوض می‌شود. دقت در ترجمه واژه «بلی» در سراسر قرآن کریم بر حسب مفهوم آیه‌ای که این واژه در آن به کار رفته یکی از نکاتی است که در ترجمه مرکز مورد توجه قرار گرفته است.

ما در اینجا به ذکر نمونه‌های فوق بسنده می‌کنیم، زیرا نکات قابل دقت در ترجمه آیات، فراوان است و پرداختن به نمونه‌های بیشتر موجب اطاله بحث می‌شود. تنها خواستیم به چند نمونه مهم که در طول تاریخ ترجمه غالباً مورد غفلت قرار گرفته است اشاره کنیم. البته ما مدعی آن نیستیم که ترجمه مرکز از هر گونه کاستی و ایرادی مبرا است، ولی بر این باوریم که تا حد امکان در کار ترجمه دقت شده است. البته چون متن قرآن کلام خداوند است و ترجمه آن هرگز نمی‌تواند بیانگر تمام مفاهیم متن باشد، باید اعتراف کنیم که تلاش ما هر قدر هم فراوان باشد، باز در برابر عظمت کلام خدا ناچیز و قاصر است. این گونه تلاش‌ها تنها می‌تواند تجربه‌ای جدید برای رسیدن به تجربه‌هایی کامل‌تر در زمینه ترجمه این وحی نامه آسمانی باشد، وگرنه ما معتقدیم که این ترجمه نیز به یقین آخرین حرف را نخواهد زد.